

کرونا گریز تصادفی یا عمدی!

جنگ‌های جهانی اول و دوم بدین سبب جهانی گفته شدند که تعداد بسیاری از کشورهای جهان درگیر این جنگ‌ها شدند و تأثیرات این جنگ‌ها نیز اکثر کشورهای جهان را فراگرفت. حال، جنگی که با ویروس COVID-19 درگرفته، تمام کشورهای جهان را به کام خویش کشیده است.

اوائل سال ۲۰۲۰ آهسته‌آهسته جهان را وحشتی عظیم فرامی‌گیرد. هیچ‌گاه انسان روی کره‌ی زمین به این تعداد و به‌طور هم‌زمان دچار ترس نشده بود. روز ۱۱ فوریه ۲۰۲۰ سازمان بهداشت جهانی به‌همراه ارکستر رسانه‌ها، هم‌آهنگ اجراء کردند: پاندمی کرونا! ویروس جدیدی به نام COVID-19 - Coronavirus Disease 2019 دست به کشتار انسان زده است! علت و چه‌گونه‌گی پیدایش این ویروس مورد بررسی و تحقیق قرار می‌گیرد و نظریه‌های مختلفی ارائه می‌گردد.

ویروس طبیعی منتقل شده از حیوانات وحشی

روز ۱۰ ژانویه ۲۰۲۰ دولت چین اعلام می‌کند که این ویروس در یکی از بازارهای حیوانات وحشی در شهر "ووهان" چین، از خفاش به انسان منتقل شده است و پس از آن تمام منابع دولتی و تمام رسانه‌های رسمی و غیررسمی در جهان به همراه سازمان بهداشت جهانی موضع دولت چین را تأیید می‌کنند.

<https://www.sciencemag.org/news/2020/01/mystery-virus-found-wuhan-resembles-bat-viruses-not-sars-chinese-scientist-says>

بعدها CNN مار را عامل انتقال این ویروس به انسان معرفی می‌کند.

<https://edition.cnn.com/2020/01/22/health/snakes-wuhan-coronavirus-outbreak-conversation-partner/index.html>

پس از مدتی هم، مدعی می‌شوند که این ویروس از مورچه‌خوار به انسان رسیده است!

<https://www.sciencedaily.com/releases/2020/03/200326144342.htm>

اما سوالی که دولت چین و این‌گونه رسانه‌ها و همچنین سازمان بهداشت جهانی بدان پاسخ نمی‌گویند این است که انسان و خفاش و مار و مورچه‌خوار و تمام حیوانات وحشی دیگر سال‌های طولانی روی کره‌ی زمین در کنار هم زندگی کرده‌اند و همچنین، خرید و فروش و یا خوردن این حیوانات وحشی توسط مردم چین سال‌های طولانی اتفاق می‌افتاده است؛ چه‌گونه شد که به یکباره ویروس COVID-19 تصمیم گرفت که از یکی از این حیوانات به انسان منتقل شده! و به قتل عام انسان‌ها پردازد؟

ویروس غیرطبیعی ساخته شده در آزمایشگاه

بسیاری عنوان کردند که این ویروس طبیعی نیست و توسط افراد و یا دولت‌های خاصی و با اهداف خاصی در آزمایشگاه ساخته شده و سپس پخش شده است. این نظریات به قدری طرفدار پیدا کرد که دستگاه‌های سرکوب دولت‌ها را به عجز و ناله و تهدید واداشت که این‌گونه اخبار جعلی هستند و از سوی طرفداران "تئوری توطئه" مطرح می‌شوند و کسانی که این‌گونه اخبار را منتشر سازند تحت پی‌گرد و مجازات قرار خواهند گرفت. غافل از این که: تا نباشد چیزی، مردم نگویند چیزها!

همین "چیزها" بل‌آخره سازمان جهانی بهداشت را نیز مجبور می‌سازد که خواستار شرکت در تحقیقات پیرامون سرمنشاء ویروس کرونا شود.

<https://www.channelnewsasia.com/news/world/who-china-probe-covid-19-coronavirus-origins-12694822>

۱. خرید شرکتهای خارجی توسط چین

نظریه‌ای که نسبتن طرفدار بیشتری دارد مطرح می‌سازد که این ویروس توسط چینی‌ها ساخته شده و در چین نیز پخش شده است و هدف چینی‌ها هم این بوده که با شایع‌ساختن بیماری کرونا در چین، ارزش سهام شرکتهای خارجی در چین را کاهش داده و آن‌ها را با قیمت ارزان بخرند.

<http://www.baharnews.ir/note/209669> /سر دبیر-روزنامه-ایرانی-چینی-ها-کرونا-ساختند-و-اکسن-هم-دست

در واقع در اثر شیوع بیماری کرونا سهام شرکتهای خارجی نیز تنزل می‌یابد، اما خریدی که صورت می‌گیرد توسط سرمایه‌های بزرگ آمریکائی است که به بلعیدن سرمایه‌های اروپائی و سرمایه‌های خرد دیگر پرداخته‌اند. چین و سرمایه‌داران چینی اساسن دارای آن‌چنان قدرت اقتصادی نیستند که بتوانند چنین مانورهای انجام بدهند.

<https://www.cnbc.com/2020/03/31/coronavirus-shakes-markets-but-investors-are-putting-money-into-china.html>

انقلاب چین در سال ۱۹۴۹ پیروز شد و حزب کمونیست چین به رهبری مائو قدرت سیاسی را در چین به دست گرفت و تمام سعی خود را به کار برد تا چین را از یک جامعه‌ی کشاورزی سنتی به یک جامعه‌ی صنعتی پیش‌رفته مبدل سازد. با این همه اوائل سال ۱۹۷۸، چین با تولید ناخالص سرانه‌ای هم‌تراز با زامبیا، یکی از کشورهای فقیر جهان بود؛ یعنی این که تمام سعی و کوشش مائو و حزب کمونیست چین در جهت صنعتی‌ساختن و توسعه‌ی جامعه‌ی چین آن‌چنان نبوده است که چین را به یک قدرت صنعتی مدرن مبدل سازد.

<https://www.weforum.org/agenda/2016/06/8-facts-about-chinas-economy/>

اوائل سال ۱۹۷۹ دولت چین به رهبری دنگ شیائو پینگ سیاست "اصلاحات و درهای باز" را اعمال می‌کند. "درهای باز" یعنی هجوم سرمایه‌های آمریکائی و اروپائی به چین جهت سوءاستفاده از نیروی کار تقریبی رایگان و کسب سودهای نجومی!

اما تبلیغات رسانه‌های امپریالیستی جهت لاپوشانی غارت‌های سرمایه‌های کشورهای غربی در چین، چنین وانمود می‌سازند که با ورود سرمایه‌های کشورهای غربی اقتصاد چین شکوفا شده و به یک کشور کاملن صنعتی تبدیل شده و می‌رود به بزرگترین قدرت اقتصادی جهان تبدیل شود! طبیعی است که این‌گونه تبلیغات دروغین در راستای نمایش هیولائی از چین، باعث رونق بیشتر صنایع نظامی غرب بشود و فروش تسلیحات کشورهای غربی را رواج بیشتری بدهد.

با این که پس از انحراف حزب کمونیست چین از آرمان‌های سوسیالیستی‌اش دیگر هیچ اثری از کمونیسم و سوسیالیسم، نه در اقتصاد و نه در سیاست چین دیده نمی‌شود، اما دولت‌های غربی به همراه مزدوران چینی‌شان همچنان اصرار دارند که حاکمیت موجود در چین را یک حکومت کمونیستی جلوه دهند و بدین ترتیب تمام مظاهر ضدانسانی سرمایه‌داری امپریالیستی را به حساب کمونیسم واریز سازند!

تا پایان سال ۲۰۰۳، بیش از ۴۰۰ هزار شرکت خارجی از بیش از ۱۷۰ کشور در چین سرمایه‌گذاری می‌کنند تا این که در سال ۲۰۱۱ رشد اقتصادی ۹/۵ درصد را برای چین ثبت می‌کنند.

<https://www.statista.com/statistics/263616/gross-domestic-product-gdp-growth-rate-in-china/>

در حال حاضر تقریبی تمامی ۵۰۰ شرکت بزرگ جهان در چین حضور دارند.

<https://companyregister.ir/html/مقالات-مرتبط-با-ثبت-۳۱۸-ثبت-شرکت-در-چین>

در پایان سال ۲۰۱۹ بیش از ۵۲ درصد از سهام کمپانی‌ها و کارتل‌های اقتصادی چین، متعلق به آمریکا و اروپا است.

<http://www.baharnews.ir/note/209669> /سر دبیر-روزنامه-ایرانی-چینی-ها-کرونا-ساختند-و-اکسن-هم-دست

بنابر این، چون سرمایه‌های موجود در چین، چینی نیستند، پس رشد اقتصادی این سرمایه‌ها را نیز نمی‌توان رشد اقتصادی چین دانست بلکه رشد اقتصادی این ۵۰۰ شرکت بزرگ آمریکائی و اروپائی است. هر آن چه در چین با عنوان سرمایه و صنعت بزرگ وجود دارد، عمدتن آمریکائی و باقی آن نیز اروپائی است و بر همین اساس، هر موضع و هر حرکت دولت چین یا در راستای منافع سرمایه‌های آمریکائی است و یا در جهت حمایت از منافع سرمایه‌های اروپائی است.

۲. سلاح میکروبی چین

عده‌ای هم ویروس COVID-19 را بخشی از برنامه‌ی تسلیحات میکروبی چین عنوان کرده‌اند.

<https://www.washingtontimes.com/news/2020/jan/26/coronavirus-link-to-china-biowarfare-program-possible/>

بنا بر دلائل فوق‌الذکر از آن جایی که حاکمان اصلی در چین سرمایه‌های غربی هستند، چنانچه "برنامه" ای هم در جهت "تسلیحات میکروبی" در چین در دست اقدام باشد، آن هم متعلق به دولت‌های غربی است و دولت چین بدون هماهنگی با دولت‌های غربی و یا بدون اطلاع آنان قادر به انجام این‌گونه فعالیت‌ها نیست.

۳. ویروس آزمایش‌گاهی

مورد دیگری که در ارتباط با چین عنوان شده این است که ویروس کرونا در لابراتوار ویروس‌شناسی شهر ووهان چین ساخته شده است.

<https://www.washingtontimes.com/news/2020/apr/28/wuhan-laboratory-most-likely-coronavirus-source-us/>

عنوان‌شدن این مورد به تنهائی اثبات می‌کند که "افسانه" ای که توسط دولت‌ها و رسانه‌های امپریالیستی در ارتباط با "خفاش" و "مار" و "مورچه‌خوار" سر داده شده، مانند تمام گزارشات دیگرشان دروغ بی‌شمانه‌ای بوده است.

۴. شبکه‌ی ارتباطی 5G

عده‌ای ادعا کرده‌اند که این‌چنین ویروسی در واقعیت وجود ندارد و تمام این عوارض و بیماری‌ها، ناشی از به‌کارانداختن شبکه‌ی 5G در شهر ووهان چین در اواخر سال ۲۰۱۹ و سپس در سائر کشورها می‌باشد.

<https://www.bitcute.com/video/H4W7FwBy0Ukh/>

5G شکل جدید و تکامل یافته‌ی شبکه‌ی تلفنی 4G با ۱۰۰ برابر قدرت بیشتر در حجم و سرعت در تبادل اطلاعات می‌باشد.

طرفداران این نظریه عنوان می‌کنند که امواج الکترومغناطیسی شبکه‌ی 5G روی ارگانیزم انسانی تأثیرات سوء داشته و سریع‌ن موجب بیماری‌های گوناگون می‌شود و این بیماری کرونا نیز از این جمله است.

موضوعی که در بررسی این نظریه باید در نظر گرفت این است که 5G در کامل‌ترین شکل خود شبکه‌ای از امواج رادیویی خواهد بود که تمام سطح کره‌ی زمین را در بر گرفته و خواهد پوشاند و در این حالت تمام سازنده‌گان، مالکان و صاحبان قدرت و سرمایه نیز که در روی کره‌ی زمین زنده‌گی می‌کنند در معرض این تأثیرات سوء قرار گرفته و بلافاصله بیمار خواهند شد!

این درست است که صاحبان قدرت و سرمایه، آینده‌ی جهان و به‌خصوص شرائط محیط زیستی را به خاطر منافع امروزشان به مخاطره می‌افکنند ولی چندان منطقی به نظر نمی‌رسد که چیزی را بسازند که باعث بیماری خودشان هم بشود و امروزشان را هم خراب کند!

موضوع دیگر این که کشور ایران هنوز دارای سیستم 5G نشده ولی مردم ایران به نسبت بالائی به بیماری کرونا مبتلا شده‌اند.

۵. دیجیتال آی دی digital ID

عده‌ی دیگری معتقدند که این ویروس توسط "یک‌درصد" معروف ساخته و پخش شده است.

<http://www.hetgekrookteriet.com/Diverse artikelen/Janet Ossebaard.html>

مدت‌ها پیش نظریه‌ای مطرح گردید مبنی بر این که یک‌درصد از کل جمعیت جهان که عمدتاً سرمایه‌داران بزرگ آمریکا هستند، مالک بخش اعظم ثروت جهان شده‌اند و به خاطر همین قدرت اقتصادی، به طور پنهانی و پشت پرده، زمام اختیار تمام دولت‌ها را نیز در دست دارند و تمام سیاست‌های جهانی را تعیین می‌کنند و در حال حاضر نیز مشغول پیش‌برد سیاست "گلوبالیسم" در سطح جهان هستند.

به نظر این عده، "یکدرصد"ی‌ها موفق به ساختن یک نوع میکروچیپ microchip شده‌اند که با واردکردن آن به درون بدن افراد، می‌توانند آن‌ها را از طریق امواج 5G در هر زمان و مکان کنترل کنند و بدین ترتیب کنترل کاملی بر تمام جهان اعمال کنند. اما برای واردکردن این میکروچیپ به درون بدن انسان‌ها نیاز به بهانه‌ای داشتند که با ساختن ویروس COVID-19 و شایع‌ساختن بیماری کرونا، زمینه‌ی پیش‌برد طرح‌شان را ایجاد کردند. آن‌ها در ابتداء ویروس COVID-19 را ساخته و در جهان پخش می‌کنند. این ویروس باعث کشته‌شدن تعدادی از انسان‌ها می‌شود و در بطن چنین شراثطی، این "یکدرصد"ی‌ها توسط رسانه‌های مزدورشان ترس و وحشت عظیمی را بر جهان حاکم می‌سازند. پس از مدتی همین "یکدرصد"ی‌ها واکسن این ویروس را ارائه می‌کنند و مردم نیز در سایه‌ی این ترس و وحشت عظیم، داوطلبانه خواستار دریافت این واکسن می‌شوند و "یکدرصد"ی‌ها هم به هنگام تزریق این واکسن، میکروچیپ مورد نظر خود را به طور پنهانی وارد بدن انسان‌ها می‌کنند.

صرفنظر از امکان تکنولوژیک اجراء این طرح، چند موضوع مطرح‌شده در این نظریه قابل‌تأمل است.

تهیه و استفاده از digital ID چند سالی است که از سوی بیل گیتس به طور علنی عنوان شده است و به همین دلیل بقیه‌ی این طرح را دیگر نمی‌توان به طور پنهانی به پیش برد؛ یعنی این که به بهانه‌ی تزریق واکسن کرونا و به همراه آن، میکروچیپ مورد نظر را به طور پنهانی وارد بدن انسان‌ها کرد!

<https://id2020.org/>

گذشته از این‌ها، چنانچه این "یکدرصد"ی‌ها درصدد پیش‌برد چنین توطئه‌ای با این شدت و وسعت بودند، مطمئن اجزاء این توطئه را کاملن مخفی نگاه می‌داشتند.

موضوع مهم دیگر خود "یکدرصد"ی‌ها می‌باشد.

"یکدرصد"ی‌های این نظریه تمامی آمریکائی هستند و شکی نیست که دارای قدرت اقتصادی و سیاسی بسیاری هم هستند ولی به شدت با "یکدرصد"ی‌های اروپا، روسیه و ژاپن که همانا سرمایه‌داران بزرگ این مناطق هستند، اختلاف منافع دارند و این اختلاف منافع را می‌توان هر روزه در قالب جنگ‌های منطقه‌ای در چارگوشه‌ی جهان مشاهده کرد. بنابراین در زمینه‌ی این اختلاف منافع، هنوز شرائط بین‌المللی لازم جهت اجراء این‌گونه طرح‌ها آماده نیست.

۶. کاهش جمعیت جهان

عده‌ای هم عنوان می‌کنند که همین "یکدرصد"ی‌ها خواستار کاهش جمعیت جهان هستند. یعنی این که می‌خواهند جمعیت جهان را که در حال حاضر نزدیک به ۸ میلیارد نفر است به نیم میلیارد نفر کاهش بدهند. به همین خاطر ویروس COVID-19 ساخته و در جهان پخش کرده‌اند.

این درست است که "یکدرصد"ی‌ها خواستار کاهش جمعیت جهان هستند ولی عملی‌ساختن این خواست با یک طرح بلندمدت امکان‌پذیر است و نمی‌توان با ساخت و پخش یک ویروس به این هدف نائل آمد؛ به‌طوری‌که در مدت کوتاهی ۷/۵ میلیارد انسان را قتل‌عام کرد!

از سوی دیگر طبق گزارش رسانه‌ها، در همین مدتی که مردم جهان را در خانه‌های شان زندانی کردند، آمار تعداد بارداری در جهان هم بالا رفته است!

<https://merionwest.com/2020/03/10/the-coronavirus-and-modern-malthusians/>

۷. کرونا و خروج انگلیس از اتحادیه‌ی اروپا

اواخر مارس ۲۰۲۰ دولت انگلیس اعلام می‌کند که به خاطر شیوع بیماری کرونا، روند خروج انگلیس از اتحادیه‌ی اروپا چند سال طول خواهد کشید.

<https://www.theguardian.com/politics/2020/mar/30/extend-brexit-transition-by-years-over-coronavirus-uk-told>

به همین خاطر عده‌ای ادعا کردند که ویروس کرونا توطئه‌ای است برای متوقف‌کردن روند خروج انگلیس از اتحادیه‌ی اروپا.

در پاسخ به این نظریه باید گفت مخالفین خروج انگلیس از اتحادیهی اروپا بسیار ضعیفتر از موافقین آن، که یکی از آن‌ها آمریکاست، می‌باشند و به همین خاطر قادر به پیش‌برد چنین توطئه‌ای با این وسعت نیستند.

۸. بنیاد بیل گیتس Bill and Melinda Gates Foundation

بیل گیتس به عنوان یکی از سرمایه‌داران بزرگ آمریکا از سهام‌داران عمدهی چند شرکت بزرگ دارویی در جهان است که به‌خصوص در زمینه‌ی تهیه‌ی واکسن فعال می‌باشد. به همین خاطر عده‌ای عنوان کرده‌اند که ویروس COVID-19 توسط وی ساخته و پخش شده است که بعدها نیز با ارائه‌ی واکسن و فروش آن سود هنگفتی را به دست آورد.

این کاملن روشن شده است که شرکت‌های بزرگ دارویی برای کسب سود بیشتر دست به هر جنایتی می‌زنند و جنایت‌های‌شان را هم کاملن مخفیانه و در کشورهای فقیر به بهانه‌ی معالجه صورت می‌دهند و در مورد بیماری کرونا هم بسیار امکان دارد که واکسن پیش‌گیری و یا داروی معالجه‌ی آن را ارائه کنند. اما همان‌طور که قبلاً هم گفته شد تمام فعالیت‌های بیل گیتس کاملن علنی است و به همین خاطر نمی‌تواند توطئه‌ای با این وسعت را به طور مخفیانه انجام بدهد. دوم این که اگر هم بخواهد چنین توطئه‌ای را انجام بدهد مسلماً باید از حمایت یک چند قدرت دولتی برخوردار باشد که در این مورد هم حتمن باید دولت آمریکا باشد.

سوم این که باید به این سوال هم پاسخ داد که چرا توطئه‌اش را از شهر ووهان چین آغاز کرده است؟

<https://www.nytimes.com/2020/04/17/technology/bill-gates-virus-conspiracy-theories.html>

۹. ارتش آمریکا

ژائو لیجیان، یک سخن‌گوی وزارت خارجه چین در تاریخ ۱۲ مارس ۲۰۲۰، در توییتری می‌گوید که ارتش آمریکا این ویروس را به شهر ووهان چین وارد کرده است.

<https://www.bbc.com/persian/magazine-52483905>

به خاطر مجهولاتی که در این ادعا وجود دارد، نمی‌توان آن را جدی دانست. چرا و با چه اهدافی و برای کدام منافع، ارتش آمریکا این کار را انجام داده و چه‌گونه و در چه زمانی این کار صورت گرفته است؟

۱۰. آزمایش‌گاه میکروبی نظامی آمریکا

فردی به نام لاری رومانف ادعا می‌کند که ممکن است آزمایش‌گاه میکروبی نظامی آمریکا در فورت دتریک، در ایالت مریلند، منبع اصلی این ویروس بوده باشد. وی معتقد است که چون این آزمایش‌گاه در سال گذشته به دلیل نبودن تضمین جهت جلوگیری از نشت پاتوژن بسته شده است، ویروس COVID-19 هم از همین آزمایش‌گاه به بیرون "نشت" کرده است.

<https://www.bbc.com/persian/magazine-52483905>

چنانچه این نظر درست باشد باید در اولین مرحله، بیماری کرونا در آمریکا شایع می‌شد که نشد!

۱۱. گریز تصادفی ویروس کرونا از آزمایش‌گاهی در ووهان

در ۱۴ آوریل ۲۰۲۰ روزنامه‌ی واشنگتن پست می‌نویسد که در سال ۲۰۱۸ دو نماینده‌ی علمی سفارت آمریکا در پکن چندین بار از انستیتوی ویروس‌شناسی شهر ووهان چین بازدید کرده و درباره‌ی "آزمایش‌گاهی که درباره‌ی انتقال ویروس‌های کرونا از خفاش تحقیقات خطرناکی می‌کند، به اندازه‌ی کافی امن نیست" به واشنگتن هشدار داده بودند.

<https://www.washingtonpost.com/opinions/2020/04/14/state-department-cables-warned-safety-issues-wuhan-lab-studying-bat-coronaviruses/>

همین مورد زمینه‌ای می‌گردد تا دولت آمریکا مدعی شود که این ویروس به طور تصادفی از انستیتوی ویروس‌شناسی شهر ووهان در چین خارج شده است.

<https://www.dailymail.co.uk/news/article-8223779/Coronavirus-originated-bungled-experiments-Wuhan-lab-bombshell-report-claims.html>

بنابراین در شهر ووهان چین یک انستیتوی ویروس‌شناسی وجود دارد و در این انستیتو درباره‌ی انتقال ویروس‌های کرونا از خفاش تحقیقات خطرناکی می‌شده است.

اما چرا دولت چین باید به "نمایندگان علمی سفارت آمریکا" اجازه‌ی بازدید از این انستیتو را بدهد؟
علاوه‌ی این که این انستیتو در خاک چین است ولی نه متعلق به چین است و نه متعلق به دولت چین؛ بلکه متعلق به صنایع نظامی آمریکا و ارتش آمریکا است و "نمایندگان علمی سفارت آمریکا" جهت بازدید از این انستیتو نیازی به اجازه‌ی دولت چین ندارند!

پس، به راستی که ویروس COVID-19 از خفاش به انسان منتقل شده است اما، در زمان حاضر خون آشام‌تر از "خفاش"ی به نام امپریالیسم آمریکا در جهان وجود ندارد که "پروسه‌ی انتقال‌پذیری و دوران جهش" این ویروس را در انستیتوی ویروس‌شناسی شهر ووهان چین صورت بدهد و سپس با انتقال این ویروس به خارج از این انستیتو باعث کشتار انسان‌ها گردد!

تکوین آمریکا

سال‌های ۱۶۰۰ گروه‌های بسیاری از کشورهای مختلف اروپا به سرزمینی که بعدها آمریکا نام گرفت، مهاجرت می‌کنند.

این مهاجرین با برخورداری از حمایت دول استعمارگر اروپایی و با قتل‌عام بومیان سرخ‌پوست این منطقه و تصاحب زمین‌های حاصل‌خیز و معادن طلا و همچنین با واردکردن اهالی قاره‌ی آفریقا به عنوان برده و یا نیروی کار رایگان، به زودی به مردمی ثروتمند مبدل می‌گردند و بدین ترتیب جامعه‌ای تحت حاکمیت دولت استعمارگر انگلستان در این منطقه شکل می‌گیرد که بنیان‌های‌اش از همان ابتداء بر اساس ستم، استثمار، سرکوب، کشتار، جنایت، چپاول، فساد و توطئه بنا نهاده شده بود.

دولت تازه تاسیس آمریکا در اواخر قرن ۱۸ به مخالفت با دولت انگلستان برمی‌خیزد و نهایتاً در سال ۱۷۸۳ با حمایت دولت استعمارگر فرانسه، انگلستان را مجبور به پذیرش استقلال آمریکا می‌سازد. اما آمریکا علاوه بر این کسب استقلال، هیچ‌گاه دست از رقابت و کش‌مکش با اروپا برنداشت و آن را تا همین امروز هم ادامه داده است.

از اواخر قرن ۱۹ دولت آمریکا تجاوز به کشورهای دیگر را در قاره‌ی آمریکا آغاز می‌کند و بلافاصله تجاوزگری‌اش را به خارج از قاره‌ی آمریکا نیز گسترش می‌دهد که از همین زمان رویارویی مستقیم دولت آمریکا با دول استعمارگر اروپایی آغاز می‌گردد.

به همین خاطر دول استعمارگر اروپایی بار دیگر موضوع "اتحاد اروپا" را اما این بار در چارچوب رقابت با ایالات متحده‌ی آمریکا مطرح می‌سازند: "در شرائط اقتصادی کنونی یعنی در رژیم سرمایه‌داری، تشکیل کشورهای متحده‌ی اروپا معنای‌اش متشکل ساختن ارتجاع برای جلوگیری از تکامل سریع‌تر آمریکا خواهد بود (لنین: درباره‌ی شعار کشورهای متحده‌ی اروپا، ۲۳ اوت سال ۱۹۱۵. روزنامه‌ی سوسیال‌دموکرات، شماره ۴۴)".

جنگ جهانی اول

در اوائل قرن بیستم، سرمایه‌های امپریالیستی ایالات متحده‌ی آمریکا رقابت خود با سرمایه‌های امپریالیستی اروپایی و به‌خصوص با سرمایه‌های فرانسوی را از طریق تقویت سرمایه‌های آلمانی پی می‌گیرند. سرمایه‌های آلمانی هم که به خاطر شرائط تاریخی – اقتصادی خود دیرتر از انگلستان و فرانسه وارد بازار استعمار جهانی شده‌اند و سهم بسیار کمی از این غارت جهانی نصیب‌شان شده است به این حمایت نیازمندند و بدین‌ترتیب آلمان با حمایت آمریکا وارد جنگ با انگلستان و فرانسه شده و جنایت عظیم جنگ جهانی اول به وقوع می‌پیوندد.

پیش از آغاز جنگ جهانی اول و تا سال‌ها پس از آن، آمریکا هم به انگلستان وام می‌دهد و هم به آلمان؛ هم به انگلستان سلاح می‌فروشد و هم به آلمان! و بدین ترتیب آمریکا مقصر اصلی در وقوع جنگ جهانی اول بوده و مسئولیت تمام خسارات ناشی از این جنگ هم به عهده‌ی اوست.

هیتلر

آلمان در جنگ جهانی اول شکست می‌خورد ولی هنوز هم می‌تواند به عنوان ابزاری در دست آمریکا علیه رقبای اروپائی به کار گرفته شود و با همین هدف از سال ۱۹۲۲ خانواده‌ی "بوش" و چند سرمایه‌دار بزرگ آمریکائی به حمایت از حزب "ناسیونال سوسیالیسم" هیتلری می‌پردازند.

<https://www.theguardian.com/world/2004/sep/25/usa.secondworldwar>

در نتیجه‌ی همین حمایت مالی آمریکا، حزب "ناسیونال سوسیالیسم" در آلمان در سال ۱۹۳۳ با اکثریت بالا در انتخابات پیروز می‌شود و خود را آماده می‌سازد تا در سال ۱۹۳۹ بار دیگر اروپا را به کام جنگ دیگری بکشاند که در طول آن بیش از ۵۰ میلیون نفر از مردم اروپا جان ببازند و تقریباً تمام شهرهای بزرگ اروپا کاملن ویران شوند و بدین ترتیب هیتلر خدمت تاریخی خود را به آمریکا انجام می‌دهد و هژمونی تاریخی اروپا بر جهان برای همیشه به پایان می‌رسد و باز هم مسئولیت تمام خسارات ناشی از جنگ جهانی دوم نیز بر عهده‌ی آمریکاست.

جنگ سرد

با پیروزی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی در جنگ جهانی دوم و متعاقب شکل‌گیری بلوک سوسیالیستی در شرق اروپا، کشورهای اروپای غربی مورد نیاز آمریکا قرار می‌گیرند. بدین خاطر دولت آمریکا توسط ایجاد بلوکی از کشورهای اروپای غربی به عنوان متحدین خود، دوران "جنگ سرد" را در ستیز با بلوک شرق آغاز می‌کند.

در ماه ژوئن ۱۹۴۷ "جرج کاتلد مارشال" (George Catlett Marshall, Jr) وزیر امور خارجه‌ی وقت آمریکا، با ارائه‌ی یک طرح اقتصادی که به "طرح مارشال" (Marshall Plan) معروف گردید دول اروپائی را با شرط "همکاری مشترک" و پذیرش هژمونی آمریکا مورد حمایت اقتصادی آمریکا قرار داد و اتحاد نسبتن پای‌داری را میان کشورهای اروپای غربی و به رهبری آمریکا ایجاد کرد.

جنگ‌های نیابتی

با ظهور علائم فروپاشی اتحاد شوروی در اوائل دهه‌ی ۱۹۹۰، سرمایه‌های امپریالیستی آمریکا دیگر به شکل سابق نیازمند اتحاد با سرمایه‌های امپریالیستی اروپا نیستند. از این مقطع به بعد، روند رو به رشد تضادهای امپریالیستی بر سر هژمونی و منافع بیشتر در دنیای پس از جنگ سرد در سطحی جهانی اوج می‌گیرد و روند جنگ‌های نیابتی آغاز می‌گردد.

تضاد منافع این دو گروه سرمایه‌های امپریالیستی که تا این لحظه تحت‌الشعاع مقابله با اتحاد شوروی قرار داشت، بار دیگر علنی می‌گردد و اولین رودروئی سرمایه‌های امپریالیستی اروپا و آمریکا در منطقه‌ی بالکان و تقسیم کشور یوگسلاوی نمایان می‌گردد که در نتیجه‌ی آن اروپا و مهم‌تر از همه آلمان، از بسیاری از منابع نفت و خطوط انتقال انرژی محروم می‌شود و بدین ترتیب سرمایه‌های امپریالیستی آمریکا بار دیگر ضربه‌ی اقتصادی شدیدی را به سرمایه‌های امپریالیستی اروپا در منطقه‌ی بالکان وارد می‌آورند.

از همین جا سرمایه‌های اروپائی متوجه می‌شوند که با از میان رفتن "خطر سرخ"، دیگر این "در بر پاشنه‌ی سابق نمی‌چرخد" و دیگر مانند قبل، مورد حمایت سرمایه‌های آمریکائی نیستند. به همین خاطر درصدد تقویت بیشتر اتحاد در میان دول اروپائی برآمده و "اتحادیه‌ی اروپا" را در ۷ فوریه ۱۹۹۲ طی "معاهده‌ی ماستریخت" سازمان می‌دهند.

در دهه‌های آخر قرن ۲۰، سرمایه‌های امپریالیستی آمریکا سیاست جدیدی را در سطح جهانی آشکار می‌سازند. آمریکا با سازمان‌دادن گروه‌های مسلحی در نقاط مختلف جهان با عنوان "بنیادگرایان اسلامی" و به خصوص با به آتش‌کشیدن برج‌های دوقلوی مرکز تجارت جهانی در نیویورک، در کنار تمام اهداف جنایت‌کارانه‌ی خود، امر رقابت با اروپا را نیز مجددن سازمان‌دهی می‌کند. با تزریق دلار به صنایع نظامی جهت توسعه و گسترش زرادخانه‌ی اتمی و غیراتمی آمریکا، شروع به لشکرکشی به مناطقی می‌کند که قلمرو فعالیت سرمایه‌های رقیب به‌خصوص سرمایه‌های اروپائی و روسی را محدود سازد. با این که آمریکا با لشکرکشی به افغانستان و عراق و با سازمان‌دهی "بهار عربی" در کشورهای الجزائر، تونس، سوریه، لیبی، مصر و یمن ضربات سنگینی به اقتصاد اروپا وارد می‌آورد، اما موفق نمی‌شود هیچ‌یک از این کشورها را تحت سلطه‌ی هم‌جانبه‌ی خود درآورد و به خصوص در سوریه به خاطر رقابت سرمایه‌های امپریالیستی اروپا و عمدتاً فرانسه و رویارویی شدید روسیه، متحمل شکست سنگینی می‌شود.

جنگ بیولوژیک

در این دوره از رقابت‌های اروپا و آمریکا، سرمایه‌های اروپائی همواره نشان داده‌اند که در مقابل زیاده‌خواهی‌های آمریکا عقب نخواهند نشست. در نتیجه، سرمایه‌های آمریکائی هم در مقابله با سرمایه‌های اروپائی متوسل به سلاح‌های بیولوژیک می‌شوند و پس از ساختن و انتشار ویروس‌های "سارس" و "مرس" و پس از آن نیز با ایجاد تغییراتی در ویروس "سارس" و ساختن ویروسی جدید با نام COVID-19 بار دیگر قصد ویرانی اروپا را می‌کنند.

تقریبین از ابتداء قرن بیستم تولید تسلیحات میکروبی و بیولوژیک در دستور کار قدرت‌های امپریالیستی قرار می‌گیرد و از آن زمان تاکنون بسیاری از آنان به این نوع از تسلیحات مجهز شده‌اند. اما از آغاز قرن ۲۱ استفاده از این تسلیحات به‌خصوص توسط آمریکا رواج بسیاری یافته است.

شرکت چینی هواوی (Huawei) در سال ۱۹۸۷ در شهر شنژن Shenzhen چین به عنوان نماینده‌ی فروش یک شرکت سوئیچ‌سازی هنگ‌کنگی (Private Branch Exchange (PBX) تاسیس می‌شود.

پس از چند سال با سرمایه‌گذاری مشترک شرکت‌های خدمات اینترنتی از آلمان، آمریکا، انگلیس، سوئد، فنلاند، نروژ، هلند و هند بل‌آخره در سال ۲۰۱۲ بزرگترین شرکت چند ملیتی ارائه‌کننده‌ی خدمات ارتباطی در زمینه‌ی شبکه‌های کامپیوتری در جهان می‌شود و در سال ۲۰۱۳ موفق به دستیابی به تکنولوژی 5G می‌گردد.

<https://www.huawei.com/en/about-huawei/corporate-information/milestone>

سهام عمده‌ی این شرکت متعلق به سرمایه‌های اروپائی است و به همین دلیل هم مورد مخالفت سرمایه‌ها و دولت آمریکا قرار گرفته است.

<https://thetechzone.ca/partners/huawei/>

علازمه مخالفت‌های شدید آمریکا، شرکت هواوی در آوریل سال ۲۰۱۸ تصمیم می‌گیرد که در اواخر سال ۲۰۱۹ شهر ووهان چین را به طور کامل تحت پوشش شبکه‌ی 5G قرار دهد.

<https://www.businessinsider.nl/coronavirus-conspiracy-5g-masts-fire-2020-4?international=true&r=US>

روز ۱۲ آوریل ۲۰۱۹ رئیس جمهور آمریکا اعلام می‌کند: "مسابقه‌ی 5G، مسابقه‌ای است که آمریکا باید برنده شود. ما نمی‌توانیم به هیچ کشور دیگری اجازه دهیم که در این صنعت قدرت‌مند آینده، از آمریکا پیشی بگیرد." وی همچنین گفت که در این جهت "مقررات" را کاهش خواهد داد.

<https://www.bloomberg.com/news/articles/2019-04-12/fcc-to-auction-broadest-set-of-airwaves-yet-to-spur-5g-service>

این "کاهش مقررات" همان "گریز تصادفی"!!! ویروس COVID-19 از انسیتیوی ویروس‌شناسی شهر ووهان چین است که زمینه‌ی توجیه آن در سال ۲۰۱۸ توسط گزارش "دو نماینده‌ی علمی سفارت آمریکا در پکن" آماده شده بود.

آمریکا با اجراء طرحی در چین به نام PREDICT طی ۱۰ سال گذشته، ۱۲۰۰ ویروس کشنده را شناسایی می‌کرد که شامل ۱۶۰ ویروس کرونا بود. دو ماه قبل از شیوع ویروس کرونا در شهر ووهان چین، ظاهر رئیس جمهور آمریکا این برنامه را تعطیل می‌کند!؟

<https://ir.sputniknews.com/world/202004066204444-سناتور-دموکرات-درباره-شیوع-احتمالی-کرونا-توسط-آمریکا-دست-به-افشاگری-زد/>

از ماه سپتامبر ۲۰۱۹ بیماران کرونائی در سطح شهر ووهان چین دیده می‌شوند و پس از آن ایران و اروپا به شدت آلوده‌ی این ویروس می‌گردند.

روز ۳۱ مارس ۲۰۲۰ شرکت هواوی اعلام می‌کند که راه‌اندازی شبکه‌ی ارتباطی 5G در اروپا را به تعویق انداخته است و بدین ترتیب آمریکا به هدف خود می‌رسد و به اروپا "اجازه" نمی‌دهد که در راه‌اندازی شبکه‌ی ارتباطی 5G از آمریکا پیشی بگیرد!!!

<https://www.bbc.com/news/technology-52108172>

ایران

سال‌های متمادی است که ایران یکی از مناطق مورد مناقشه‌ی آمریکا و اروپا شده است و هر یک از این دو قطب قدرت‌مند اقتصادی خواستار منافع بیش‌تری از غارت ثروت‌های ایران نسبت به رقیب هستند.

هنگامی که این تقسیم منافع توسط کش‌مکش‌های چندین ساله به نتیجه نمی‌رسد سه دولت اروپائی آلمان، انگلیس و فرانسه از ۲۱ اکتبر ۲۰۰۳ نمایش "مذاکرات هسته‌ای" را آغاز می‌کنند و بل‌آخره در سال ۲۰۰۶ آمریکا، چین و روسیه نیز وارد این نمایش شده و به طور پنهانی به تقسیم منابع ثروت‌های ایران در میان خود می‌پردازند و به موازات این مذاکرات، جهت لاپوشانی کردن تضاد خود، توسط نماینده‌گان‌شان در شورای امنیت سازمان ملل، قطع‌نامه‌ای را نیز علیه ایران صادر می‌کنند.

پس از دوازده سال مذاکره، در ۲ آوریل ۲۰۱۵ توافق‌نامه‌ای با عنوان "برنامه‌ی جامع مشترک" (برجام) میان آلمان، آمریکا، انگلستان، چین، روسیه و فرانسه امضاء می‌شود که طبق آن، سهم هر یک از این دول غارت‌گر از ثروت‌های مردم ایران تعیین می‌شود و رژیم حاکم بر ایران نیز متعهد می‌گردد تا این منافع را تامین نماید.

اما پس از به قدرت رسیدن جمهوری‌خواهان در آمریکا در نوامبر ۲۰۱۶ دولت آمریکا اعلام می‌کند که تقسیم‌بندی مندرج در "برجام" را قبول ندارد و خواستار انجام "اصلاحات"ی در این توافق‌نامه می‌شود که منظور، سهم بیش‌تری از غارت ایران بود.

سرمایه‌های اروپائی به خواست آمریکا پاسخ مثبت نمی‌دهند تا این که در روز ۸ مه ۲۰۱۸ آمریکا با خروج از توافق "برجام"، سیاست "تحریم‌های همه‌جانبه علیه ایران" را اعلام می‌کند که در واقع ایجاد محدودیت در مقابل سرمایه‌های اروپائی بود و بدین ترتیب سرمایه‌های اروپائی بسیاری را از غارت ایران محروم می‌سازد.

پس از خروج آمریکا از توافق برجام، کشورهای اروپائی اعلام می‌کنند که با حفظ توافق‌نامه‌ی برجام به غارت خود از ایران ادامه خواهند داد و در این راستا بل‌آخره طرح اینستکس (INSTEX) را ایجاد می‌کنند.

در ابتداء قرار بود اینستکس موسسه‌ای متعلق به اتحادیه‌ی اروپا باشد اما مورد توافق تمام کشورهای عضو اتحادیه‌ی اروپا قرار نگرفت و به شکل یک شرکت خصوصی توسط آلمان، انگلیس و فرانسه، در ۳۱ ژانویه ۲۰۱۹ در فرانسه به ثبت می‌رسد. در دسامبر سال ۲۰۱۹، شش کشور بلژیک، دانمارک، سوئد، فنلاند، نروژ و هلند نیز به اینستکس می‌پیوندند.

در ماه فوریه ۲۰۲۰ و در جهت جلوگیری از انجام اولین معامله در چارچوب اینستکس که برای ماه مارس ۲۰۲۰ برنامه‌ریزی شده، ویروس COVID-19 که از انستیتوی ویروس‌شناسی شهر ووهان چین توسط آمریکا "گریز تصادفی"!!! کرده است، وارد شهر قم در ایران می‌شود!

اما اروپا که مصمم است غارت ثروت‌های ایران را به هر قیمتی برای خود حفظ کند در ماه مارس ۲۰۲۰ و در گیرودار آلودگی شدید به بیماری کرونا، از انجام اولین مبادله‌ی تجاری موفقیت‌آمیز اروپا با ایران از طریق اینستکس خیر می‌دهد و بدین ترتیب اعلام می‌کند که آمریکا با حمله‌ی ویروسی هم نمی‌تواند اروپا را وادار به تسلیم کند!

ایتالیا و اسپانیا

همان‌طور که قبلاً نیز گفته شد پس از به قدرت رسیدن جمهوری‌خواهان در آمریکا در نوامبر ۲۰۱۶ دولت آمریکا اعلام می‌کند که تقسیم‌بندی منافع دول غربی مندرج در "برجام" را قبول ندارد و با تهدید به این که از توافق "برجام" خارج خواهد شد، خواستار سهم بیش‌تری از غارت ثروت‌های مردم ایران می‌شود.

آلمان به عنوان یکی از کشورهای که منافع بسیاری را در ایران دارد زودتر از دیگران به چارمجویی برمی‌خیزد و از یک سو در وین پایتخت اتریش، به مذاکرات پنهانی با دیپلمات‌های آمریکا، انگلیس و فرانسه می‌پردازد و از سوی دیگر دولت‌های انگلیس و فرانسه را با خود همراه می‌سازد که در پوشش اعلام تحریم‌های جدیدی علیه ایران، منافع سایر کشورهای اروپایی را به نفع آمریکا محدود سازند و این پیشنهاد را در جلسه‌ی وزرای خارجه‌ی کشورهای عضو اتحادیه‌ی اروپا در روز چهارشنبه ۲۸ مارس ۲۰۱۸ اعلام کرده و خواستار حمایت سایر کشورها از این پیشنهاد می‌شوند که با مخالفت اتریش، اسپانیا و ایتالیا روبه‌رو می‌گردند. اینان یک بار دیگر در دیدار وزیران اتحادیه‌ی اروپا روز ۱۶ آوریل در لوگزامبورگ پیشنهاد خود را مطرح می‌سازند و باز هم ایتالیا به مخالفت برمی‌خیزد. به‌خصوص که ایتالیا بزرگترین خریدار نفت ایران در اروپا می‌باشد.

همچنین، در سال ۲۰۱۳ سرمایه‌های اروپایی مستقر در چین "راه ابریشم جدید" را طراحی می‌کنند که یک مسیر تجاری میان ۶۰ کشور از خاور دور تا شمال آفریقا و اروپا می‌باشد. ایتالیا به عنوان کشوری از اتحادیه‌ی اروپا که "راه ابریشم جدید" بدان ختم می‌شود در ۲۳ مارس ۲۰۱۹ این قرارداد را امضاء می‌کند. این طرح نیز به عنوان یک طرح اروپایی مورد مخالفت سرمایه‌ها و دولت آمریکا قرار می‌گیرد.

بنابراین کاملن منطقی است که اسپانیا و ایتالیا از میزبانان اصلی "کرونا‌ی آمریکائی" در اروپا باشند.

روز ۵ آوریل ۲۰۲۰، دو روز قبل از گردهم‌آنی سران اتحادیه‌ی اروپا در مورد "بحران کرونا" Pedro Sánchez نخست وزیر اسپانیا طی یک نامه‌ی سرگشاده به سران دیگر کشورهای اروپایی "طرح مارشال" (marshallplan) را پیشنهاد می‌کند و این به مفهوم تسلیم در مقابل شرایط آمریکا مبنی بر پذیرفتن هژمونی آمریکا همانند شرایط پس از جنگ جهانی دوم است.

اروپا

به هنگام وقوع یک فاجعه‌ی طبیعی در ارتباط با بهداشت و درمان، این کاملن منطقی است که جوامعی که از نظر علم و تکنولوژی بهداشت و درمان توسعه‌نیافته هستند، زودتر از سایر جوامع مورد آلودگی قرار گرفته و ضایعات بیشتری را متحمل شوند ولی در مورد "بحران کرونا" قضیه کاملن برعکس شده و به قول سازمان جهانی بهداشت، اروپا در کانون اپیدمی کرونا قرار دارد که این نیز می‌تواند دلیلی بر غیرطبیعی بودن این فاجعه و حضور و نقش آمریکا در ایجاد این بحران در اروپا باشد.

زمانی که "Victoria Nuland" معاون وزیر امور خارجه آمریکا در یک تماس تلفنی با "Geoffrey Pyatt" سفیر آمریکا در اوکراین این جمله را به کار می‌گیرد: "f**k the EU..." مفهوم‌اش وجود تضاد شدیدی میان دولت آمریکا و اتحادیه‌ی اروپا است و به هر وسیله‌ای، حتی به یک جنگ بیولوژیک هم جهت حل این تضاد، می‌توان متوسل شد.

<https://www.bbc.com/news/world-europe-26079957>

شواهد نشان می‌دهد که با این که دولت‌های اروپایی در مقابل این جنگ بیولوژیک آمریکا در نقطه‌ی ضعف هستند اما تصمیم به مقاومت گرفته و حاضر به تسلیم در مقابل آمریکا نیستند.

دولت جنایتکار اروپایی با صرفه‌جویی هر ساله در بودجه‌ی بهداشت و درمان باعث به‌وجود آمدن کمبودهای شدیدی در این بخش شده بودند؛ که این خود نیز باعث مرگ‌ومیر بیش‌تری گردید. همچنین تعمدن با عدم اقدام به‌موقع باعث می‌شوند که افراد بیمار و سالمند که برای دولت و شرکت‌های بیمه و بازنشسته‌گی هزینه‌بردار بودند، به کام مرگ فروروند. باارائه‌ی آمارهای جعلی در مورد تعداد مبتلایان و کشته‌شده‌گان و همچنین تبلیغات بسیار زیاد و هماهنگ در رسانه‌های مزدور خویش، ترس و وحشت بسیار عظیمی را میان مردم خویش ایجاد می‌کنند تا در زمینه‌ی این ترس و وحشت عمومی، دست‌شان برای هرگونه واکنش و مانور در مقابل این بحران باز باشد و تمام خسارات ناشی از حمله‌ی سرمایه‌های آمریکائی علیه سرمایه‌های اروپایی را بر سر مردم ناتوان خویش خراب کنند.

ترس و وحشت میان مردم اروپا از بیماری کرونا، بسیار بیش‌تر از ترس‌شان از بمباران نازی‌ها در جریان جنگ جهانی دوم است. در نتیجه‌ی این ترس بی‌اساسی که برای‌شان ایجاد کرده‌اند، به طور دسته‌جمعی از دولت‌های جنایت‌کارشان تقاضا می‌کنند که آزادی‌های فردی و اجتماعی‌شان را محدود ساخته و در صورت تخطی مجازات‌شان نمایند! حاضر شده‌اند ماه‌ها خودشان را داوطلبانه در خانه‌های‌شان زندانی نمایند! و از تمام خواسته‌های اقتصادی و سیاسی خود چشمپوشی کرده‌اند. اخراج‌های دسته‌جمعی کارگران به آسانی صورت می‌گیرد. انجماد دست‌مزد‌های کارگران هیچ مقاومتی را بر نمی‌انگیزاند.

زمانی که سران کشورهای اروپائی با قاطعیت اعلام می‌کنند که ما دیگر نمی‌توانیم به شرایط قبل از کرونا بازگردیم، مردم باید به "زنده‌گی با فاصله" عادت کرده و آن را بپذیرند، مردم باید همواره ماسک استفاده کنند، تجمعات دیگر امکان‌پذیر نیست و ...، دقیقن منظورشان این است که اگر مسئله‌ی ویروس COVID-19 را با تهیه‌ی واکس و داروی معالجه هم حل نکنند، آمریکا ویروس دیگری را به جان‌شان خواهد انداخت و این معضل همچنان ادامه خواهد داشت.

آمریکا

اما سوال ظاهرن مهمی که در این جا می‌تواند مطرح باشد این است که اگر انتشار این ویروس توسط آمریکا صورت گرفته است، چرا میزان ابتلاء و آلودگی در آمریکا بیش‌تر از هر کشور دیگری شده است؟

اولن، آمارهائی که توسط دولت‌ها و به‌خصوص دولت آمریکا در این رابطه اعلام می‌گردد به هیچ‌وجه قابل‌اعتماد نیستند. با اعلام تعداد بالائی از مبتلایان و فوت‌شده‌گان می‌توان راحت‌تر از خود رد اتهام کرد. در این خصوص آش به‌قدری شور می‌شود که رئیس‌جمهور آمریکا هم، سائر کشورها را به دروغ گفتن درباره‌ی آمار واقعی مرگ‌ومیر متهم می‌کند. دومن، در هر جنگی، طرف مهاجم هم متحمل خسارات جانی و مالی می‌شود و برای سرمایه‌های بزرگ آمریکائی اصلن مهم نیست که هزاران نفر از مردم آمریکا هم در جنگ با اروپا کشته شوند و یا تعدادی سرمایه‌های کوچک ورشکست شده و به کام سرمایه‌های بزرگ فرو روند!

اسناد و مدارک

باید توجه داشت که این موضوع را که ویروس COVID-19 ساخته‌ی لابراتوارهای سلاح‌های بیولوژیک آمریکا در شهر ووهان چین است، با هیچ سند و مدرکی نمی‌توان اثبات کرد مگر از میان اخبار و اطلاعاتی که دولت‌های آمریکا و اروپا ارائه می‌دهند، به این نتیجه‌گیری رسید.

ویروس و یا ویروس‌های اولیه در شهر ووهان چین – چه از طریق انتقال از خفاش طبیعی و چه پخش آن توسط آمریکای خفاش – اکنون دیگر از میان رفته‌اند و ویروس‌هائی که در حال حاضر میان انسان‌ها در گردش‌اند، ویروس‌های بازتولیدشده توسط ویروس‌های اولیه می‌باشند و موجوداتی کاملن طبیعی هستند. بنابراین هیچ زیست‌شناسی و در هیچ لابراتواری و با هیچ ابزاری نمی‌تواند اثبات کند که این ویروس‌ها، پدیده‌ای طبیعی نیستند. بنابراین نباید بی‌هوده به دنبال اسناد و مدارک لابراتواری گشت!

تاکنون این‌چنین بوده که بیماری ناشی از ویروس طبیعی، بیماری یک آب‌وهوای خاص و یا یک جغرافیای خاص بوده است، در حالی که ویروس COVID-19 هم در فصل سرما عمل می‌کند و هم در فصل گرما فعال است و همچنین در سرتاسر جغرافیای کره‌ی زمین مشغول کشت‌و‌کشتار می‌باشد!

اما، چنان‌چه این ویروس و بیماری ناشی از آن یک پدیده‌ی طبیعی باشد، بدین مفهوم است که انسان بار دیگر در مقابل طبیعت دچار ضعف و زبونی شده و موجودیت انسان توسط طبیعت در معرض خطر قرار گرفته است. در چنین وضعیتی بسیار منطقی و عاقلانه است که انسان‌ها با چشمپوشی موقتی از تمام اختلافاتی که با هم دیگر دارند، یکپارچه و متحد به مقابله با این خطر طبیعی بشتابند.

در شرائطی که روزانه هزاران نفر در جهان به کام مرگ فرو می‌روند و بقیه انسان‌ها نیز در وحشت کامل به سر می‌برند، گذشته از این که هیچ اتحاد و همکاری میان دولت‌ها مشاهده نمی‌شود بلکه رقابت‌ها و کشمکش‌های میان اینان هر روزه بیش‌تر می‌گردد.

آمریکا ناوگان‌های‌اش را در خلیج فارس جای‌گزین می‌سازد.

<http://www.gudsonline.ir/news/699430> /ناوگروه‌باتان-نیروی-دریایی-آمریکا-وار-د-خلیج-فارس-شد

و یا در صدد اشغال روستائی در سوریه است.

https://t.me/bbc_khabari/12479

و یا در ماه فوریه به سومالی حمله‌ی هوائی انجام می‌دهد.

<https://t.me/bbcpersian/65724>

و یا از همه بدتر، بودجه‌ی سازمان جهانی بهداشت را قطع می‌کند.

<https://www.dw.com/fa-ir/a-53055680> /اونالد-ترامپ-سازمان-بهداشت-جهانی-را-تهدید-به-قطع-بودجه-کرد

در مقابل، آلمان و فرانسه به عنوان مهم‌ترین رقیبان آمریکا از سازمان جهانی بهداشت حمایت می‌کنند. تقاضای وام رژیم حاکم بر ایران از صندوق بین‌المللی پول مورد مخالفت آمریکا قرار می‌گیرد ولی اروپا از آن حمایت می‌کند.

<https://www.dw.com/fa-ir/a-53216086> /بورل-متاسفیم-که-آمریکا-باید-داخت-وام-به-ایران-مخالفت-میکند

دولت آلمان ۳۰۰ سرباز به لیبی اعزام می‌کند.

<https://www.dw.com/fa-ir/a-53212141> /آلمان-در-ماموریت-نظامی-اتحادیه-اروپا-در-لیبی-شرکت-میکند

اروپا برای رژیم حاکم بر ایران ماهواره‌ی "نور" هوا می‌کند.

اسرائیل بخش‌هایی از کرانه‌ی باختری رود اردن را که در جنگ ۱۹۶۷ اشغال کرده بود، به انضمام خاک خود درمی‌آورد و مواضع گروه‌های تحت حمایت ایران در سوریه را بمباران می‌کند.

<https://www.dw.com/fa-ir/a-53300736> /آخرین-خبر-های-جمعه-۱۲-اردیبهشت-۱۳۹۹

سازمان ملل به دولت‌های جهان هشدار می‌دهد که از بحران کرونا برای سرکوب و پیش‌برد اهداف ضددموکراتیک خود سوءاستفاده نکنند.

سازمان گزارش‌گران بدون مرز از سازمان ملل می‌خواهد تا به دولت‌هایی که در چارچوب مقابله با کرونا، آزادی بیان را محدود می‌کنند، اخطار جدی بدهد.

در راستای این عدم همکاری میان دولت‌ها علیه کرونا، آش به قدری شور می‌شود که خان‌های دهکده هم می‌فهمند! روز اول ماه مه ۲۰۲۰ دبیرکل سازمان ملل از فقدان همکاری بین‌المللی در مقابله با کرونا ابراز ناامیدی می‌کند.

<https://www.facebook.com/bbcpersian/posts/10157980059627713:0>

و یک روز بعد پاپ خواستار اتحاد سران کشورها در شرائط بحرانی می‌شود.

<https://www.dw.com/fa-ir/a-53308645> /آخرین-خبر-های-شنبه-۱۳-اردیبهشت-۱۳۹۹

این رد گم‌کردن‌های خان‌های دهکده هم علت عدم همکاری دولت‌ها علیه این بیماری را بیش‌تر عیان می‌سازد؛ که این بیماری، درد مشترک اینان نیست بلکه حمله‌ی یکی علیه دیگری است!

موضوع دیگری که در این جا قابل‌توجه است این است که بر اساس گزارش سازمان جهانی بهداشت سالانه ۱۰ میلیون نفر به بیماری سل مبتلا می‌شوند و از این تعداد ۱/۵ میلیون نفر کشته می‌شوند.

https://www.who.int/health-topics/tuberculosis#tab=tab_1

اما همین ارقام را تعداد بسیار کمی در جهان شنیده‌اند. دلیل‌اش هم بسیار ساده است. سل یک بیماری طبیعی است و به طور طبیعی در جوامعی که از سطح پائین بهداشت و درمان برخوردار هستند، کشتار می‌کند و زیاد مزاحم غارت و استثمار سرمایه‌ها در جهان نمی‌شود. اما کرونا برای اروپا ساخته شده است!

یک موضوع قابل‌توجه دیگر، فیلم سینمایی "شیوع" است که در سال ۲۰۱۱ ساخته شده است.

فیلم‌نامه‌ی این اثر که درباره‌ی پیدایش ویروسی ناشناخته و مرگبار در چین است شباهت‌های بسیاری با اوضاع کنونی دارد.

اسکات برنز، نویسنده‌ی فیلمنامه، برای نوشتن فیلمنامه از گروهی از ویروس‌شناسان و همه‌گیرشناسان، از جمله کارشناسان سازمان بهداشت جهانی، مشورت گرفته بود. وی به مجله‌ی "هالیوود ریپورتر" می‌گوید: "وقتی با کارشناسان این حیطه صحبت کردم، همه‌ی آن‌ها می‌گفتند که شیوع یک بیماری دیر و زود دارد، ولی سوخت و سوز ندارد."

<https://www.bbc.com/persian/magazine-52050737>

نتیجه

جهت مقابله با هر بحران و مصیبت اجتماعی، اولین گام شناخت علل و زمینه‌های پیدایش آن است. بنا بر آن چه که گفته شد، شرایط حاضر نتیجه‌ی کش‌مکش و جنگ میان سرمایه‌های مختلف است و تنها راه مقابله و از میان برداشتن آن، گسترش مبارزه‌ی طبقاتی در جوامع مختلف است. نباید تحت تاثیر تبلیغات رسانه‌های امپریالیستی قرار گرفت. نباید به خاطر شیوع یک بیماری خطرناک!؛ در جهان، تمام اختلافات و تضادهای طبقاتی را فراموش کرد و تمام حرکت‌های اجتماعی را به تعطیلی کشاند. بلکه برعکس، باید حرکت‌های اجتماعی را توسعه و گسترش بیشتری داد و مبارزه‌ی طبقاتی را هر روزه اعتلاء بیشتری بخشید.

ممنوعیت‌های ارتباطی و جمععاتی، کاملن بی‌اساس و غیرعادلانه هستند. باید با مبارزه با این محدودیت‌ها و توسعه و گسترش اتحاد و سازمان‌دهی کارگران و زحمت‌کشان، به مقابله با توطئه‌های امپریالیسم برخاست.

بهمن آرام
مه ۲۰۲۰